

شکل بگیرد، پیرامون مولانا و شمس تحقیقات گسترده و برنامه های هنری جدی انجام داده و از قبل آماده بودند.

به هر حال، این پرسش بزرگ در ذهن همه ما شکل گرفت که اگر ترکیه دست روی مولانا نمی گذاشت و اگر یونسکو به یاد او نبود، آیا در سال هشتصدم، کسی در ایران به یاد مولانا می افتاد؟

این کنگره شامل بخشها و برنامه های متنوع فرهنگی - هنری بود. اما جدی ترین فعالیت آن، به برگزاری سخنرانیهای استادان و صاحب نظران اختصاص داشت. در این بخش از مجموع ۴۵۰ مقاله رسیده به دبیرخانه از ۳۶ کشور که برای چاپ آماده می شوند، ۴۰ مقاله برای انتشار و عرضه نهایی در کنگره معرفی شد. این مقالات عمدتاً در تهران و در روزهای پنجم و ششم آبانم ماه در سالن اجلاس سران کنفرانس اسلامی ارائه شد.

برنامه های دیگر هنری شامل برگزاری گالریهایی از هنرهای تجسمی و نیز برگزاری کنسرت های موسیقی سنتی بود. در این مراسم ۸۳ مهمان خارجی در این کنگره حضور داشتند.

روز نخست

نخستین روز کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا صبح روز یکشنبه ششم آبان ماه با سخنان محمود احمدی نژاد رییس جمهور، غلامعلی حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی، محمدحسین صفار هرنندی وزیر ارشاد، مهدی مصطفوی ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، غلامرضا اعرافی ریاست مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و انابل کیلر، استاد دانشگاه کمبریج، در سالن اجلاس سران آغاز برگزار شد.

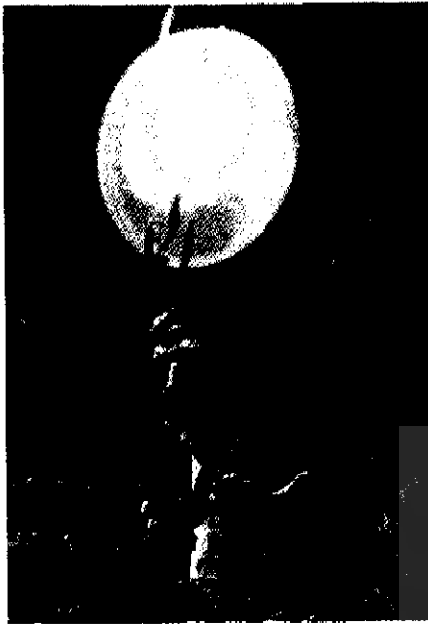
رییس جمهور در این مراسم گفت: امروز و همه روزها جامعه بشری نیازمند مولوی و اندیشه های مولوی است؛ چرا که مولوی متعلق به یک زمان، مکان و قوم خاصی نیست؛ مولوی به تمام بشریت متعلق است. او از نام و قوم برید و به کمال انسانیت رسید. رییس جمهور با بیان اینکه عشق برای مولوی دارای ارمغانهایی بود، گفت: اولین ارمغان برای مولوی این بود که او را از تعلقات این دنیا، تن و دنیای خاکی رها کرد. ارمغان دوم عشق مولوی او را تازه و با طراوت کرد. او همیشه تازه و نو است و هیچ گاه بوی ماندگی نمی دهد و فرسوده نمی شود. هیچ کس را خسته نمی کند و همواره با طراوت و شاداب است. عشق مولوی باعث شد تا تمام غمهای عالم از جان وی زودوده شود و او را در یک شادی بی پایان فرو برد و باعث شد که غم دنیا



در هشتصدمین سال مولانا

برای مالکیت این شاعر ایرانی به عمل آورده است و از آن در صنعت گردشگری استفاده می کند. دریغ که این مسئله عاملی شد تا بسیاری از برنامه ها خلق الساعه و عجله ای باشد. به جز سخنرانیها و پژوهشها، دیگر برنامه ها دچار همین مشکل بودند. نقاط قوت کنگره نیز به زمینه بسیار آماده چنین حرکتی در ایران بازمی گشت. بسیاری از محققان و پژوهشگران و نیز اهالی هنر، پیش از اینکه چنین طرحی در ذهن مسئولان

کنگره بزرگ مولانا و شمس از روز ششم تا دهم آبانماه در تهران، تبریز و خوی برگزار شد. این برنامه که به کمک دستگاه های مختلف برگزار گردید، تکریمی بود از این شاعر بزرگ ایرانی که امسال از سوی سازمان تربیتی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به خاطر هشتصدمین سالگرد تولد او، به دنیا معرفی شد. ناگفته نماند برگزاری باشکوه این کنگره بیشتر از هر چیز واکنشی بود به برنامه هایی که ترکیه



بودند. اعضای هیأت رییسۀ نشست صبح روز اول، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر غلامرضا اعوانی، دکتر جاوید اقبال، نسل پیرچلیبی و دکتر آرن داگلاسی بودند.

در نشست بخش زبان و ادبیات کنگره، که بعد از ظهر روز اول و به ریاست توفیق سبحانی برگزار شد، نرگس ویرانی که به زبان انگلیسی سخنرانی خود را ارائه داد، درباره «تعدد زبانها: راهبردی پویا و یگانه برای گفت‌وگویی سلبی» سخن گفت و اظهار کرد: ابیات مولانا چندگانه است و مانند پنجره‌ای است که این ابیات پیامبرانه، روحیۀ انسانی را به بیرون می‌ریزد. مولانا وقتی در مخصصۀ زبان می‌افتد، از زبانی ملمع و گاهی عربی استفاده می‌کند، که در واقع زبان خواص آن دوره است. او همچنین اظهار کرد: تعدد زبان، فضایی ایجاد می‌کند برای رها شدن. مولانا سعی می‌کند خودش را تقیدات زبان بیرون بکشد تا بتواند آنچه را که می‌خواهد بگوید، و این شگرد مولاناست. ویرانی در ادامه ضمن تبیین مثالهایی متعدد در این زمینه، به بررسی وجوه تعدد زبان در آثار مولانا پرداخت.

همچنین در این نشست، محمد نوری عثمان درباره شیوه‌ها و چگونگی پژوهش در آثار مولانا، ضمن تبیین مؤلفه‌ها و ویژگیهای متن‌شناسی، گفت: متن مثنوی تصحیح نمی‌پذیرد؛ چون آن متن ممکن است به دست مولانا نوشته نشده باشد و ممکن است کس دیگری آن را نوشته باشد. دیوان او نیز همین‌طور است. برای تصحیح مثنوی ضرورت دارد کارهای جدی با متد علمی انجام شود. او درباره ترجمۀ مثنوی به زبانهای دیگر نیز اظهار کرد: در ترجمۀ متن ضرورت دارد اول فرهنگی لغوی را برای این متن درست

در ادامه این مراسم، سید مهدی مصطفوی، ریاست سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سخنرانی کرد و گفت: زبان و ادب فارسی که گنجینه آثار معنوی و عرفانی ما را در خود جای داده، از مهم‌ترین میراث تمدن ماست و مولانا شاعر فارسی‌گو از نامهای برجسته این تمدن است و همواره در فرهنگ ما ساری و جاری بوده است. او در ادامه به تازه بودن آموزه‌های مولوی اشاره کرد و افزود: آموزه‌های مولانا در گذر زمان، نه تنها کهنه نشده؛ بلکه هر روز درخشان‌تر شده و تکیه‌گاه مهمی برای زندگی این ملت بوده است. مصطفوی با اشاره به تسلط مولانا در زمینه‌های مختلف علوم زمان خود، یادآور شد: مولوی و میراث او به‌عنوان تکیه‌گاهی برای مردم جهان در شرق و غرب مطرح شده و اینک بر ماست که این گوهر تابناک را دریابیم و به یاری متفکران و اصحاب حکمت، حکمت معنوی مولانا را بهتر بشناسیم و آن را به نسل جوان معرفی کنیم و همچنین پیام راستین مولانا را به جهان برسانیم.

سخنران دیگر مراسم افتتاحیه، دبیر علمی کنگره بود. دکتر غلامرضا اعوانی درباره علت ماندگاری و جاودانگی مولانا، گفت: در تاریخ فکر، متفکرانی بوده‌اند که در زمان خود شهرت داشته‌اند. اما در تاریخ فلسفه درباره آنها چندان بحث نمی‌شود؛ اما عده‌ای هستند که عظمت آنها در زمانهای دیگر بیشتر از زمان خودشان است و مولانا از این بزرگان است که هرچه زمان می‌گذرد، به عظمت تماش افزوده می‌شود. ریاست مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، امروز را روزگار مولانا دانست و افزود: اکنون می‌بینیم ناگهان تمام جهان به مولانا توجه کرده و این رازی دارد و پیامی برای فرهنگ ما، که توانسته چنین شخصیتی را تربیت کند. او همچنین یادآور شد: دلیل اول عظمت مولانا از این جهت است که مولانا حامل پیام مهمی است که سخت معنوی است. پیام معنوی در جهان ما که از سویی تشنه معنویت و از سویی عاری از معنویت است، مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ زیرا در شأن انسان است که دنبال معنا باشد و همچنین شایسته است انسان معنوی باشد؛ بنابراین مولانا به‌طور صریح و بی‌پروا ما را به عالم معنا هدایت می‌کند.

از دیگر سخنرانان روز افتتاحیه، جوهره دیک ندری‌یف، از تاجیکستان بود. او نوشته‌ای کوتاه خواند و بعد از او جاوید اقبال، پر علامه اقبال لاهوری، مطلب خود را به زبان انگلیسی بیان کرد. از دیگر برنامه‌های مراسم افتتاحیه، تک‌نوازی نی توسط حسن ناهید، تک‌نوازی سه‌تار توسط جلال ذوالفنون و همچنین رونمایی تمبرهای یادبود هشتصدمین سال تولد مولانا

تواند این عاشق را بیازارد و از رفتن باز دارد. عشق مولوی باعث شد که تمام استعدادها و ظرفیت‌های مولوی سرشار شود و در دل و جان او جایی برای غیر خدا باقی نگذاشت. احمدی‌نژاد در پایان بار دیگر تأکید کرد: مولوی زنده است؛ چون عشق، حقیقت، پاکی، خداپرستی، آزادی و آزادگی و حق‌طلبی زنده است.

بعد از دکتر احمدی نژاد، دکتر غلامعلی حدادعادل در سخنان خود گفت: مولوی مانند اقیانوسی عمیق است که هر چه به این اقیانوس نظر افکنیم، انتهای آن را نمی‌توانیم ببینیم. ریاست مجلس شورای اسلامی همچنین فارسی زبان بودن مولانا را مایه افتخار ایرانیان دانست و فارسی زبانان را مخاطب بی‌واسطه زبان و اشعار مولانا برشمرد.

محمدحسین صفار هرندی نیز در این مراسم با بیان این نکته که بزرگان بسیاری درباره مولانا سخن گفته‌اند، گفت: اما این سبب نشده که مولانا از دسترس مردم کوچه و بازار دور شود. مردم ما مانند مردم جهان با اشعار مولانا زندگی می‌کنند. کودکان دبستانی ما هم بخشی از داستان «مثنوی» را در حافظه خود دارند.

بخش دیگر مراسم افتتاحیه به قرائت پیام کوپچیرو ماتسورا، دبیرکل یونسکو، اختصاص داشت. این پیام به زبان انگلیسی و توسط آنابل کیلر، استاد دانشگاه کمبریج خوانده شد. او در ادامه مولانا را شاعر، متفکر و عارف جهانی دانست و افزود: مولانا دیگر تنها به مردم ایران متعلق نیست؛ او به تمام بشریت تعلق دارد. امروز از این مرد بزرگ در تمام جهان سخن می‌گویند و از او عرفان، حکمت و اخلاق می‌آموزند. استاد دانشگاه کمبریج همچنین گفت: مولانا در میان مردم آمریکا به‌عنوان محبوب‌ترین شاعر در جهان شناخته شده و امسال در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کانادا، آمریکا، انگستان، ترکیه و استرالیا برای مولانا بزرگداشت برگزار شده و آرای این متفکر بزرگ بررسی شده است... کیلر سپس یادآور شد: من تصور می‌کنم در آینده‌ای نه چندان دور، مردم جهان به‌صورت بسیار گسترده‌تر با آثار و اندیشه‌های مولوی آشنا خواهند شد و این آشنایی موجب تعالی فرهنگ انسانی خواهد شد. او با اشاره به سابقه تدریس «مثنوی» در کمبریج، تصریح کرد: در این مدت دو سال که «مثنوی» مولانا را تدریس می‌کردم، متوجه شدم «مثنوی» دریچه‌های تازه‌ای در جهان‌بینی دانشجویان باز کرده و آنها را از نظر معنوی تحت تأثیر خود قرار داده است. کیلر در پایان ابراز امیدواری کرد، علاقه‌مندان مولانا در سراسر جهان با آثار و اندیشه‌های او آشنا شوند. او سخنان خود را با غزلی از مولانا به پایان برد.



پر بار دارد و تصوف عرفانی در زمان مولانا در نقطه اوج خود بوده و در حوزه عمل نیز این مسأله کاملاً مشهود است؛ به طوریکه حتی بعد از آن هرچه از مفاهیم عرفانی آمده، شرح و تکرار آن مطالبی است که در زمان مولانا آمده است. او در پایان تأکید کرد: مولانا کلیدی برای جهان فکری‌اش تعیین کرده و این کلید اسرارانگیز در آثار مولانا نهفته و در واقع سر مولانا در آثار او محفوظ است. همچنین رمز و نمادهای اشعار مولانا با کمک آثار دیگرش قابل شناسایی و کشف و بررسی است. بهترین وسیله شرح مثنوی معنوی در واقع خود مثنوی معنوی است. قاسم کاکایی سخنران بعدی نشست بخش حکمت و فلسفه کنگره بود. او درباره «نیستی در نگاه مولانا و مایستر اکهارت» سخن گفت و اظهار کرد: تبعی ساده در تعالیم مولانا و اکهارت نشان می‌دهد که نیستی و بی‌رنگی در آثار آن دو بسیار پررنگ است؛ به نحوی که می‌توان گفت شناخت و وصول به نیستی، جهان‌بینی و ایدئولوژی این دو اندیشمند را تشکیل می‌دهد. این پژوهشگر در ادامه با برشمردن مفهوم و پیامدهای این دیدگاه در رویکردهای مختلف، اظهار کرد: برخی بحث از نیستی را بازی با کلمات و لفاظی محض و حداکثر استعاره‌ای شاعرانه می‌دانند که هیچ معنای محصلی در واقعیت و عینیت ندارد. از سویی برخی بحث از نیستی را در فلسفه از پارمنیدس تا فلسفه معاصر پی گرفته‌اند و نیستی را از دیدگاه مکانیکی چون نیلیسم و اگزیستانسیالیسم و مکتب کیوتو ژاپن و به ویژه دیدگاه متفکرانی چون نیچه و هایدگر بررسی و با دیدگاه‌های اکهارت و یا مولانا مقایسه کرده‌اند. قاسم کاکایی همچنین تأکید کرد: این نوع مقایسه‌ها بعضاً نامناسب و از سر نبود شناخت دقیق عرفانی است. او در ادامه به تبیین رهیافتهای خود در باب نیستی در نگاه

کرد و بعد فرهنگ صور خیال مثنوی معنوی را پدید آورد و همین‌طور لازم است فرهنگ اصطلاحات تصوف بر اساس شرح کریم زمانی که شرحی روشمندتر از شرح‌های دیگر است، انجام شود. البته می‌توان در تعریف فرهنگ اصطلاحات تصوف از شرح استاد سید جعفر شهیدی و مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر نیز بهره برد.

بورگو بلو از آکادمی علوم آلبانی نیز درباره تأثیر مولانا بر نعیم فراشری سخن گفت و اظهار کرد: مولانا نه تنها شاعری ایرانی، بلکه جهانی است که به علوم قرآنی توجه جدی داشته است. مولانا استاد بزرگ زبان فارسی است. همچنین او تنها شاعر نیست، بلکه یک فرهنگ است و شخصیت رومی بر ادبیات آلبانی تأثیر بسیاری دارد. او در ادامه با ارایه تاریخچه‌ای کوتاه از ادبیات آلبانی، از نعیم فراشری به عنوان شاعر برجسته آلبانی یاد و خاطرنشان کرد: ارتباط فراشری با زبان فارسی بی‌نظیر است و مضامین و اشعار مولانا را وارد زبان آلبانی کرد. او به موجب این تماس با شاعر معنوی که دیدگاه‌های مشخصی از مرگ و زندگی دارد، آلبانی را با این موضوع آشنا کرد. وی با اشاره به «دیوان کربلا» و دیگر آثار این شاعر آلبانی‌تبار، تصریح کرد: او در آثار خود اثبات می‌کند که ارتباط فرهنگ‌ها میسر است و این ارتباط‌ها بهبود به وجود نمی‌آید. او در پایان برای برشمردن این تفاوت‌ها، مثال‌هایی را از شعرهای فراشری برای مخاطبان خواند.

عبدالمنان نصرالدینف نیز در این مراسم درباره‌ی معنی‌شناسی در آثار مولانا اظهار کرد: مولانا در آثار عرفانی خود کوشش به خرج داده که مخاطب را با درک مطالب آثار خویش راهنمایی کند. این استاد مولانا‌شناس تصریح کرد: تفکر مولانا ریشه‌های عمیق و شاخه‌های

مولانا و مایستر اکهارت پرداخت.

بعد از ظهر روز ششم، با سخنرانی بهاء‌الدین خرمشاهی همراه بود. او درباره «برگزیده‌های غزلیات شمس» سخن گفت و با یاد کردن از گزیده محمد محبوب، «شمس الحقایق» و «مکتب شمس» انجوی شیرازی، افزود: گزیده دیگری که پس از تلاش‌های اولیه منتشر می‌شود، گزیده غزلیات شمس محصول تلاش محمدرضا شفعی کدکنی است که کار بسیار مهمی است. خرمشاهی در ادامه سخن از تصحیح نیکلسون یاد کرد و گفت: کتاب‌شناسی مولوی را یا می‌شناسیم یا خوب است که بشناسیم و در این زمینه، ماندانا صدیق بهزادی اثر خوبی را گردآوری کرده که در طول ۳۰ سال گسترش یافته و تا سال ۸۰ را دربرمی‌گیرد. این اثر را می‌توان به‌عنوان سوغات برد؛ زیرا تمام کارهایی که درباره مولانا هستند، در آن معرفی شده‌اند. وی همچنین برگزیده «غزلیات شمس» توسط شهرام رجب‌زاده، سیروس شمیس، محمدرضا علیقلی‌زاده و قربان ولینی را از دیگر کارهای انجام‌شده دانست و درباره گزیده «غزلیات شمس» اثر خودش، نیز گفت: من در این کار مینا را به تصحیح و تعلیقاتی گذاشتم که در واقع اساس کار من، اثر دو جلدی توفیق سبحانی است. از ۳۲۲۹ غزل این دو جلد، تنها ۴۰۰ غزل را انتخاب کرده‌ام. سعی کردم غزل‌های بلند را انتخاب نکنم. ضمن اینکه هر گزینشگری بر مبنای ذوق خود عمل می‌کند. همچنین شش فهرست هم در این اثر گنجانده‌ام. بهاء‌الدین خرمشاهی در پایان درباره اینکه چرا تعلیقات نوشته و شرح نداده است، گفت: کریم زمانی این کار را کرده است. او تمام ۳۲۰۰ غزل معروف سروده مولانا را بیت به بیت شرح داده است و من سعی کردم که بر برخی از بیتها، تعلیقات بنویسم.

در این برنامه، همچنین، توفیق سبحانی درباره «شعر و موسیقی در سماع مولویان»، با اشاره به تاریخچه سماع مولویان تصریح کرد: در سماع از ساز استفاده می‌شود. نی مهمتر از سازهای دیگر است؛ البته به مرور زمان، قانون، تنبور و حتی پیانو در مولوی‌خانه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. این استاد دانشگاه با بیان این مطلب که مولوی به موسیقی سخت علاقه داشت، اذعان کرد: در دیوان کبیر، اشعاری است که مقامات موسیقی را به استادی برشمرده است. علاقه مولانا به موسیقی، قوتیه را پر از موسیقی کرده بود، تا جایی که در حال وضو گرفتن نوای موسیقی به گوش می‌رسید. او با بیان توضیحاتی درباره سماع در بین مولویان، یادآور شد: سماع چهار دور دارد و یادآور می‌شوم که در زمان مولانا برای سماع آداب خاصی نبود و قانون‌مند



کردن سماع کار فرزند او بهاء ولد است. سبجانی در پایان با اعلام خبر انتشار کتاب «دیوان کبیر» که به تصحیح او انجام شده است، گفت: در میان مولویان، اشعار مولانا و سلطان ولد و برخی بزرگان مولویه خوانده می‌شود و از اشعار ترکی کمتر استفاده می‌شود.

از تاجیکستان میرزا ملاحمد نیز درباره «انسان کامل در مثنوی معنوی» سخن گفت: اگر انسان کامل در اشعار شاعران دیگر به‌طور کلی آمده باشد، در آثار مولوی، انسان جنبه‌های واقعی دارد؛ آنچنان که شمس، صلاح‌الدین و حسام‌الدین در آثار مولانا هستند. این استاد تاجیک با بیان این مطلب که انسان کامل نزد مولوی، حضرت محمد (ص) هستند، افزود: از دیدگاه مولوی، انسان بزرگ‌ترین آفریده پروردگار به حساب می‌آید و سبب اساسی توانایی انسان را در این می‌داند که از خداوند مدد می‌گیرد. ملاحمد رابطه انسان و خدا را از موضوعات اساسی «مثنوی معنوی» برشمرد و تأکید کرد: مولانا پیامبر اکرم (ص) را نایب خدا در زمین می‌داند. حضرت محمد (ص) انسان کامل هستند و مولانا در میان کل پیامبران، برای حضرت محمد (ص) امتیاز ویژه‌ای قابل است. او همچنین یادآور شد: مولوی بزرگی پیامبر (ص) را از همان زمان کودکی‌شان می‌داند و معتقد است با این همه بزرگی مانند همه انسانها هستند و ترکیبی جدای از آنها ندارند و تأکید دارد که ایشان نیز مانند انسانهای زمینی، درد، رنج، شادی و اندوه دارند. سیمای پیامبر (ص) در «مثنوی معنوی» چون پیر خردمند تجلی یافته است.

ملاحمد با برشمردن دیگر ویژگیهای حضرت محمد (ص) در «مثنوی» یادآور شد: پیامبر (ص) در نزد مولوی، تصویر پاک و آزادی هستند؛ از این جهت ایشان را به آفتاب تشبیه می‌کند. مولوی همچنین محمد (ص) را به ماه تشبیه می‌کند؛ از این رو نور محمدی در «مثنوی» و «غزلیات شمس» بسیار به چشم می‌خورد. بعد از ملاحمد، حجت‌الاسلام سید قهرمان صفوی، «مثنوی» را شاهکار مولانا جلال‌الدین بلخی خراسانی دانست و از او با عنوان بزرگترین صوفی و شاعر ایرانی یاد کرد.

این مولوی‌پژوه در ادامه درباره ساختار کلی دفتر ششم «مثنوی» به ایراد سخن پرداخت و تأکید کرد: مضمون اصلی دفتر ششم، توحید است. ساختار دفتر ششم دربرگیرنده ۶۹۱۵ بیت، ۱۶۱ بخش و ۵۳ حکایت است، که در ۱۲ بحث و ۳ بخش شکل گرفته است.

والتر استون، استاد آمریکایی هم در سخنرانی خود با عنوان «مزاج بی‌پایان» به بررسی لطیفه و مزاج در آثار مولانا پرداخت. او که سخنرانی

خود را به زبان انگلیسی ارائه کرد، بخش عمده شگرد آموزشی مولانا را طرز دانست.

در نشست بعدازظهر که با عنوان «مولانا در جهان معاصر» برگزار شد، محمدجعفر یاحقی، بهاء‌الدین خرمشاهی، توفیق سبجانی و سیدقهرمان صفوی به‌عنوان هیأت رییسه، اداره جلسه را برعهده داشتند.

روز دوم

روز هفتم آبان و در دومین روز برگزاری کنگره مولانا استادان و مولوی پژوهان به ایراد سخنرانی پرداختند.

در این روز، جلیل تجلیل در نشست بخش هنر و زیبایی درباره «صورتگری در شعر مولانا» گفت: در شعر فارسی، مولانا جلال‌الدین را می‌توان دریا و آسمانی خواند که معارف و فرهنگ بی‌کران و لایزالی را به مدد بیان و تخیل و شیوه‌های هنری سخن در قالب‌هایی از تمثیل و تشبیه و مجاز و صوری از کنایات در ساختار شعری خود به کار گرفته و از عهده شرح پیچیده‌ترین اندیشه‌ها و موضوعات با سرفرازی و افتخار بیرون آمده است. این استاد دانشگاه در ادامه موسیقی شعر مولانا را ترنمی دانست که در تمام عالم، زمین و آسمان و ذره ذره هستی زمزمه می‌شود.

سخنران بعدی این مراسم، احمد خاتمی بود. او درباره «معرفت دینی و نشانه‌های هنرمندانه مولوی در مثنوی» سخن گفت. خاتمی با طرح مقدمات معرفت دینی و نشانه‌شناسی، به برخی از نشانه‌های مثنوی معنوی اشاره کرد و گفت: نشانه‌های متعددی از مقوله‌های متعدد در مثنوی به کار گرفته شده است. برخی از نشانه‌ها مقوله‌های طبیعی مانند آب، باد، دریا و کوه هستند و برخی از نشانه‌ها اسماء خاص هستند؛ مانند رستم و خضر. همچنین برخی از نشانه‌ها نام میوه‌ها و حیوانات هستند و عده‌ای دیگر از

نشانه‌ها اسباب و اشیا مانند ترازو، میزان، زنبور، شمشیر و مقولاتی از این دست هستند. او همچنین یادآور شد: با سیر در مثنوی معنوی دیده می‌شود، این کتاب که یادگار تجربه‌های شخصی عارفی والاست، رمز و رازهای فراوان دارد. با آنکه رمز و رازها با زبان و روش مولانا در یک افق نیست، اما علاوه بر معنای ظاهری، معنای باطنی نیز از آن رمز و رازها استنباط می‌شود. همچنین قالب آن رمز و رازهای به‌کاررفته در مثنوی معنوی، دینی است. خاتمی از «نی» به عنوان یکی از نشانه‌های هنرمندانه مولوی در مثنوی یاد کرد و افزود: نی، رمز حال عارف مشتاق یا روح طالب بازگشت به عصر خویش است و این انتخاب هنرمندانه مولانا نشان از ارتباط و توجه او به موسیقی دارد. نی‌های بدون گره، صدای خدا را درمی‌یابند و منعکس می‌کنند. نی نشانه‌ای ملموس است و همچون نشانه‌ای برآمده از خاک، انسان را به افلاک رهنمون می‌کند. آنچه مولانا از نی اراده کرده، نی‌زن است و نی تنها وسیله عاشق است که می‌تواند با معشوق ارتباط برقرار کند. گره در نی جز هواهای نفسانی و علاقه آدمی به جهان خاکی نیست. این استاد دانشگاه در پایان سخنان خود در مورد استفاده مولانا از نقش گفت: هنر دیگری که مولانا از آن در مثنوی استفاده می‌کند، نقش و نقاش است. نقش نشانه انسان است. در تفکر هستی‌شناسانه مولانا، مراد از نقاش همان خداوند است و نقاش، رمز خدای قادر و مطلق است. در نظام فکری مولانا، نقاش است که هر نقشی را که می‌خواهد می‌آفریند و نقش با همه زیبایی‌هایی که دارد، از خود حرکت و قدرتی ندارد. اگر آدمی به عنوان نقش نقاش، توان اندیشیدن را دارد، خداوند است که این قدرت اندیشیدن را به او داده است. مولانا با همین نشانه نقش و نقاش، فلسفه خلقت را پی می‌ریزد. همچنین نصرالله حکمت در نشست بخش

حکمت و فلسفه کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا، درباره «تفاوت عقول نزد مولانا» گفت: یکی از مباحث بنیادی در عقلانیت عرفانی، بحث تفاوت عقول انسان‌هاست. در سنت فکری - فلسفی مسلمانان، پیدایی و تکوین عرفان نظری و طرح عقلانیت عرفانی به معنای ضرورت عبور از عقلانیت فلسفی است. این استاد فلسفه در ادامه خاطر نشان کرد: در واقع نخستین گام در عرفان نظری و نزد عرفا، نقادی عقلی - فلسفی است و تعیین میزان توانایی آن در شناخت حقایق هستی است. به عبارت دیگر، از نظر عرفای اسلامی، اگر عقل فیلسوف قادر به درک همه حقایق هستی می‌بود، هرگز راهی به ساحت عقلانیت عرفانی گشوده نمی‌شد و عرفان نظری متبلور نمی‌شد.

موسی دیباج نیز درباره «هرمونتیک قرآن و مثنوی معنوی» ضمن طرح مقدماتی گفت: در نظر عموم معتزله، عقل را معلوم نبود؛ زیرا تحصیل مقدمات بر ترتیب خود علم به همراه آورد. کار عقل دشوار افتاد؛ اما مشروط به تعلیم معلم نباشد و علم و ظاهر اشیا و اوضح دلایل دشوار اما ممکن باشد. چه تواند که عقل با احکام بدیهی آغازد. معلم و متعلم هر دو با این احکام آغاز کنند، بی هیچ تمایزی. این استاد فلسفه تصریح کرد: معتزله، نظر را اصل به علم دانند و سبب آن شمارند و اشاعره می‌گویند، نظر موجب و سبب علم نیست؛ زیرا علم انسان بسان موجود، حادث ممکن است و خدای تعالی قادر به همه ممکنات است و فاعل آنهاست؛ پس علم از فعل خدای تعالی صادر آید و علم نتیجه عادت باشد. مولانا بر این نظر با اشاعره همراهی کند؛ اما برخلاف اشاعره، گاهی برخی تذکر، نظر و فکر را مولد علم دانند.

همچنین حسن بلخاری در نشست بخش هنر و زیبایی، با موضوع «عکس معرویان، خیال عارفان؛ تحقیقی در معنا و گستره وسیع خیال در مثنوی مولانا» گفت: خیال که در ذهن و زبان مولانا معنایی ژرف و گستره‌ای وسیع دارد، در فرهنگ و جهان بینی اسلامی گاه از مراتب عالم بوده و گاه قوه‌ای از قوای نفس انسان در ادراک، همچنین گاه تصویری از حقیقت عالم و از سویی نیز ادراک نادرست از واقع است. مفهوم خیال در مثنوی معنوی با ابداعات و ابتکارات حضرت مولانا مورد تأمل خاص قرار گرفته است.

بهمن نامور مطلق هم که در نشست بخش هنر و زیبایی صحبت می‌کرد، به «بررسی روابط بینانسان‌های هنر در آثار مولانا» پرداخت و گفت: برخی از آثار دارای چنان ابعاد گسترده و گوناگونی هستند که از قالبهای زمانی، مکانی و شاخه‌ای خاص فراتر می‌روند و به اسطوره

متنهای فرا زمانی، فرامکانی و فراشاخه‌ای تبدیل می‌شوند. دبیر فرهنگستان هنر اظهار کرد: مولانا دو اسطوره متن بزرگ تاریخ ادبی، هنری و فکری است. مثنوی معنوی و دیوان شمس دو اثری هستند که در سده‌های گذشته یا بازخوانی شده‌اند یا اینکه مورد اقتباس قرار گرفته‌اند و به شکل غیرمستقیم مورد خوانش قرار گرفته‌اند.

شهرام پازوکی، عضو هیأت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران نیز در این مراسم سخنرانی کرد. او درباره «تجدید سنت در مثنوی معنوی» با بیان این مطلب که اصلاً قصد بحث فرقه‌ای ندارد، تأکید کرد: بحثهایی از این دست اگر ناظر به مفاهیم عمیق شیعه و سنی نباشد، ناشی از تعصب است. این استاد فلسفه در ادامه با اشاره به روزگار مولانا و وضعیتی که فرقه‌های مختلف در آن زمان داشتند، اظهار کرد: مولانا در اندیشه‌های سنت و اسلام بود. او در ادامه با برشمردن آراء و نظرات متفکران دیگر درباره مذهب مولانا، اذعان کرد: دو مفهوم در نزد مولانا در تجدید سنت اسلامی اهمیت فراوان دارند؛ یکی مفهوم ولایت و دیگری مفهوم سنت است و چنانچه این دو مفهوم را به آن معنایی که مولانا می‌فهمید، بتوانیم بفهمیم، به چگونگی شیعه و یا سنی بودن مولانا پی می‌بریم. پازوکی از مفهوم ولایت در «مثنوی» مولانا به‌عنوان رکن اصلی یاد کرد و درباره مراد مولانا از مفهوم سنی بودن نیز گفت: مولانا مراد خود را از سنی بودن. برای رفع شبهه در مهمترین مسائل مطرح کرده که از جمله همین مسئله جبر و اختیار است و آن را در دفتر ۵ و ۶ مثنوی به‌طور مبسوط بیان می‌کند. او سنی را مؤمن می‌داند و در مقابلش، چیزی را کافر. اگر بخواهیم مولانا را اشعری بدانیم، غلط است؛ زیرا اشعریون جبری هستند. مولانا در مرتبه عقل و خرد، قول به جبر را بالاتر از اختیار می‌داند و در مرتبه بالاتر از عقل، قول را لاجبر و لا اختیار می‌داند. این استاد دانشگاه در پایان یادآورد شد: او همچنین درباره مسئله رؤیت خدا مبحث سنی بودن را مطرح می‌کند. چنانچه می‌دانیم، نزد متکلمان معتزله و اشعری، قول به رؤیت جسمانی خدا مطرح شده؛ اما مولانا قول اشعری‌ها و معتزله را رد می‌کند و معتقد است که رؤیت خدا به چشم دل میسر است و در همین لفظ با استناد به احادیث، دعوت به سنت و سنی بودن را مطرح می‌کند.

همچنین حسن لاهوتی نیز در سخنرانی خود با موضوع «مولانا؛ عارف جهان‌بین» گفت: عشق به تمام هستی در نزد مولانا اهمیت بسیاری دارد. مولانا عارفی است که خودش را جز خلق عالم نمی‌بیند و خلق عالم را جز خودش. این استاد دانشگاه افزود: بر اساس کدام تعریف بگوییم

مولانا عارف است؟ به نظر من، به اندازه تمام تعریفها، مولانا عارف است و هنوز از همه تاریخ برتر است. بهتر است که مولانا را از زبان خودش تعریف کنیم. حسن لاهوتی در ادامه به شرحی درباره مفهوم مکتب مولانا پرداخت.

محمد مجتهد شبستری در نشست بخش عرفان و دین کنگره بزرگداشت هشتصدمین سال تولد مولانا درباره «قرائت مولانا از جهان» سخنرانی کرد. مجتهد شبستری با بیان این مطلب که من مولوی پژوه نیستم و بر حسب علاقه و ارادت شخصی که به این انسان بزرگ دارم، به مطالعه او پرداخته‌ام و به‌صورت شخصی با آثار مولانا به ویژه «مثنوی معنوی» مانوس شده‌ام و آنچه را که ارائه می‌کنم، خاطره‌هایی از سال‌های تدریس و تتبع در «مثنوی معنوی» است، اظهار کرد: مولانا از جهان یک قرائت دارد. یک وقت انسان درباره جهان خیلی چیزها را می‌داند و می‌خواهد به این سؤال پاسخ دهد که جهان چگونه است؟ یک وقت انسان جهان را مانند یک متن می‌خواند، که از آن به‌عنوان قرائت یاد می‌کنیم. مهم‌ترین مطلبی که او تبیین می‌کند این است که همه پدیده‌ها را صورتهایی می‌داند که معنا دارند. تعبیر معنا در آثار مولوی بسیار به‌چشم می‌خورد و این تعبیر صورت و معنا بیش از تعبیر ظاهر دیده می‌شود و این دو متفاوت است. او همچنین تأکید کرد: معنا در جایی معنا پیدا می‌کند که معنا دهنده‌ای باشد و همچنین خواننده‌ای. متن اگر خوانده نشود، نمی‌شود گفت معنادار است. مسلم است که چنانچه خواننده‌ای باشد، معنا هم هست. وقتی مولانا پدیده‌ها را صورتهایی می‌داند که دارای معنا هستند؛ یعنی آنها را می‌خواند، و چون می‌خواند، از معنای صورتهای سخن می‌گوید. اشعار مولانا درباره معنادار بودن جهان متعدد است.

مجتهد شبستری در ادامه باطن حکایات مولوی را حضور دانست و افزود: آنجا که حضور است، سرگذشتها معنای سرگذشت بودنشان را از دست می‌دهند. شبستری افزود: چرا مولانا در «مثنوی» از داستان استفاده کرده است؟ گفته می‌شود مولوی این داستانها را می‌گوید تا در فضای لطیفی معارف عرفانی را مطرح کند؛ اما من عرض می‌کنم وقتی مولانا فضای داستانی می‌سازد، در نظر او، آنچه در بطن داستان می‌گوید، غیر از داستان نیست. عرفان مولانا یک عرفان داستانی است و اگر این را قبول کنیم، می‌توانیم بپذیریم مولانا جهان را به‌صورت حکایت قرائت می‌کند. مجتهد شبستری در پایان با تبیین مفهوم جان آدمی در نزد مولانا یادآورد شد: آنجا که مولانا شکل‌گزار فلسفی و یا حکمتی را بیان می‌کند، آنجا نیز او دارد اتفاقات را بیان می‌کند، که در

شده، متعلق است. سکوت وجودشناختی در واقع متعلق به حالتی است که سالک مدهوش می‌شود. در دفتر اول «مثنوی» پاره‌ای از ابیات از این مقام خیر می‌دهند. سروش دباغ پس از توضیحی درباره سکوت وجودشناختی، از سکوت دلالت‌شناسی با عنوان نوع سوم سکوت یاد کرد و افزود: در سکوت دلالت‌شناسی، عارف پس از آنکه از مدهوشی و استحالہ بیرون آمده، دنبال صورت بستن تجربه‌های اگریستانی و اشرافی خودش است و اینجا با یک پارادوکس مواجه می‌شود.

همچنین مهدی دهباشی در سخنرانی خود درباره «وحدت اضداد در هستی‌شناسی مولانا» گفت: دوگانگی و کثرت‌گرایی در عرصه هستی از یک طرف، و وحدت اضداد پیوسته در قلمرو هستی‌شناسی و شناخت‌شناسی از دیرباز مورد توجه حکما و عرفا بوده است. این بحث در تفکرات فلسفی به ویژه در نظریه شناخت در قالب سوژه و ایزه، رابطه عالم و معلوم و نقش من در تبیین جهان مطرح است. دهباشی در ادامه افزود: مولانا در جهان‌بینی خود همچون عرفای دیگر همانند ابن عربی قلمرو هستی و عالم امکان را همچون قلمرو ذهن و معرفت در پرتو گستره شعاع نور وحدت و حقیقت توجیه می‌کند. این پژوهشگر فلسفه تصریح کرد: در نگاه مولانا، غلبه وحدت بر کثرت در سرتاسر عالم هستی سایه افکننده و با معرفت شهودی، وحدت کثرات و اضداد را از نگاهی فراسوی عالم امکان و فراتر از شناخت متعارف نظاره می‌کند.

کیارش آرامش نیز درباره «فلسفه و اخلاق پزشکی از دیدگاه مولانا» سخن گفت. او گفت: اگرچه مولای روم خویش را در «دیوان کبیر» طبیب نامیده، در نزد او، پزشکی نیز در کنار فلسفه و هندسه خود نمی‌تواند بالذات ارزشمند تلقی شود، مگر آنکه ابزاری باشد برای تحقق هدف متعالی انسان؛ یعنی دچار آفت نشود و درک استثنا نکند.

مصطفی ملکیان نیز در این مراسم، درباره «رویکرد مولانا به سنتهای دینی» سخن گفت و اظهار کرد: در این سخن من پنج مدعای اصلی دارم؛ اول اینکه از طریق استقرا می‌توان پنج رویکرد مختلف به سنتهای دینی داشت و هر کس به هر دینی التزام نظری و عملی دارد، می‌تواند این پنج رویکرد را در باب دین خود به کار گیرد. از این پنج رویکرد، سه رویکرد مجالی برای گفت‌وگو باقی نمی‌گذارند و رویکرد چهارم و پنجم امکان گفت‌وگوی بین مذاهب را فراهم می‌آورند. این محقق و پژوهشگر فلسفه یادآور شد: مولانا از میان این پنج رویکرد مطلقاً به رویکرد اول قائل نیست و در آثار او نمونه‌های



می‌دهد. وی با اشاره به استقبال مردم سرزمین آمریکا از برگردان شعرهای مولانا، تصریح کرد: این استقبال از این جهت است که مولانا و سروده‌هایش رازهایی را در خود نهفته می‌تواند داشت. مولانا جهان‌شناس ژرف‌اندیش است و می‌داند که هم‌اوردی و دوگانگی ناگزیر جهان ماست؛ زیرا در سرشت گیتی این دوگانگی نهفته است. ما در پی سودیم و گریزان از زیان؛ اما مولانا ما را در دل این ناسازی به سازواری فرامی‌خواند. «زندگی آشتی زنده‌هاست»، آشکار می‌گوید؛ اما ما در دام ناسازی و هم‌اوردی در افتاده‌ایم و در تنگنای تن گرفتار شده‌ایم، که آزمون بزرگ را از سر بگذرانیم و آن آزمون بزرگ، رسیدن به آشتی و سازگاری در هم‌اوردی و ناسازی است، در نهایت راه بردن به یگانگی در دل دوگانگی، و آرمان از دید مولانا همین است. ما رو به سوی آشتی می‌باید داشته باشیم تا به آرامش برسیم.

سروش دباغ سخنران دیگر سخنران نشست حکمت و فلسفه کنگره مولانا درباره «سه تلقی از سکوت در نزد مولانا» سخن گفت. او با تفکیک سه نوع سکوت در مثنوی و دیوان شمس گفت: سکوت اخلاقی اولین نوع سکوت است؛ سکوتی است که سالک طریق در طی درنوردیدن مراتب سلوک، آن را در مقام عمل به‌کار می‌گیرد. این سنخ از سکوت ناظر به آفات لسان است و صبغه عملی - اخلاقی دارد. چنین سکوتی کمتر صبغه فلسفی - نظری دارد. دباغ با خواندن بیتهایی از داستان «طوطی و بازرگان» تصریح کرد: در این داستان به آفات زبان اشاره شده و این را می‌توان سکوت اخلاقی نامید. پس از این، نوع دوم سکوت است و در حالت دوم سکوت، عارف در حال تجربه عرفانی اگریستانی است. در این حالت، سالک دیگر خودی نمی‌بیند و به مقامی که در ادبیات عرفانی تحت عنوان فنا یاد

واقع چه اتفاقی در عالم دارد می‌افتد و همواره ذهنش مشغول این اتفاقهاست.

میر جلال‌الدین کزازی از سخنرانان عصر روز هفتم آبان بود. او در نشست بخش تفاهم بین مذهبی و فرهنگی در اندیشه مولوی به سخنرانی درباره «مولانا؛ فرزانه فراخ‌اندیش» پرداخت. کزازی از مولانا به‌عنوان خدای مرد شگرف عرفان، اندیشه و ادب ایران یاد کرد و افزود: دو ویژگی بنیادین در مولانا است که آنها را بیش و پیش از هر ویژگی دیگر می‌شناسیم، یکی ایرانی بودن است، و دو دیگر مسلمان بودن. مولانا یکی از برومندترین فرزندان ایران‌زمین است. او مردی است از بن جان و ژرفای دل ایرانی. کزازی سروده‌های مولانا را درخشان و برهنه دانست و افزود: او در سروده‌های گمان‌زدایی می‌کند و راه را بر ما روشن می‌دارد، که او مسلمانی است سخت‌باورمند به آیین اسلام و فرهنگ اسلامی. همچنین در همه آفریده‌های اندیشه و طبع مولانا، فرهنگ اسلامی موج می‌زند. اما همین «اما» است که از مولانا فرزانه‌ای فراخ‌اندیش می‌سازد؛ مولانا ایرانی مسلمان است؛ اما جهانی می‌اندیشد. او همچنین گفت: جهانی بودن مولانا با آن دو ویژگی او پیوند سخت و تنگ و ساختاری دارد. بزرگترین اندرز مولانا در این روزگار نخست برای ما ایرانیان، سپس برای جهانیان، این است که اگر می‌خواهید، جهانی باشید پیش از آن به ناچار می‌باید بومی باشید. اگر مولانا ابتدا ایرانی نمی‌بود و مسلمان، با همه هستی خود، هرگز نمی‌توانست جهانی بیاندیشد. جهانی بودن به شیوه ناگزیر در گرو بومی بودن است. وی همچنین خاطرنشان کرد: مولانا ما را به آشتی، پیوند و همبستگی فرامی‌خواند؛ آنچه در این روزگار پرآشوب بی‌فریاد که روزگار بیگانگی‌هاست، بیش از هر چیز دیگر نیاز داریم. مولانا مرد زمانه ماست؛ زیرا نیاز زمانه ما را پاسخ



را کار درستی نمی‌داند و توصیه می‌کند به سمت یک دین کلی، عمومی و جهانی برویم و افتراقها را رها کنیم و به سمت اشتراکها برویم. مولانا با چهار رویکرد آخر موافق است و رویکرد اول را برنمی‌تابد.

در حاشیه کنگره مولانا در تهران، تبریز و خوی برنامه های متنوعی فرهنگی - هنری برگزار شد. در نگارخانه های موزه هنرمندان معاصر فلسطین نمایشگاه تجلی خیال هنرمندان نقاشان ایران از شمس و مولانا به دیوار رفت. همچنین کتاب شمس فرهنگستان رونمایی، و اثر استاد محمود فرشچیان و نیز تمبر تصویر شمس و مولانای فرشچیان به چاپ رسید.

در یکی از این برنامه ها حسام‌الدین سراج و گروه بیدل کنسرتی برای شمس و مولانا اجرا کردند. همچنین عبدالحسین مختاباد نیز به برگزاری کنسرتی در همین راستا اقدام کرد. اجرای اپرت «طیب عشق» از بابک محمدی نیز از برنامه های ویژه این روزها بود. این اپرت برگرفته از داستان «پادشاه و کتیزک» از آثار مولوی بود که علاوه بر گروه نمایش، گروه موسیقی، کر و گروه اجراکنندگان سماع نیز در آن حضور داشتند. همچنین گروه «فیه ما فیه» به سرپرستی سعید نایب محمدی در فرهنگسرای هنر به روی صحنه رفتند. در این اجرا خوانندگانی از کشورهای ارمنستان و سوریه و مجتبی عسگری، استاد غلامعلی پورعطایی دو تار نواز و خواننده برجسته تربت جام گروه را همراهی می کردند.

در برنامه دیگری فرهنگستان هنر که از سه سال گذشته تصویرگری ۵۰ غزل از غزلیات شمس تبریزی را به ۵۰ هنرمند نقاش سپرده بود، آثار را به نمایش گذاشت. همچنین نگاره شمس و مولانا اثر استاد فرشچیان که از یک مجموعه دار به امانت گرفته شده بود نیز در این نمایشگاه به معرض دید گذاشته شد. این تابلو که آخرین اثر خلق شده استاد نامی نگارگری ایران است، بیشتر در اصفهان رونمایی شده بود و نخستین نمایش عمومی آن در تهران به شمار می‌رود.

در تبریز

علی اصغر شعر دوست در افتتاحیه کنگره هشتصدمین سالروز تولد مولانا که در تالار اجتماعات هتل شهریار تبریز برگزار شد، مولانا را خلاصه فرهنگ ایرانی و اسلامی دانست و گفت: در فرهنگ ما کمتر کسی به اندازه مولانا مورد توجه واقع شده است و حضوری پررنگ در عرصه های مختلف زندگی مان دارد.

دیرکل کنگره بین‌المللی مولانا در تبریز در ادامه از برگزاری چهار همایش و کنگره علمی - ادبی دیگر در چهار کشور هند، فرانسه، آمریکا و تاجیکستان تا پایان سال میلادی جاری



خبر داد و گفت: تاریخ برگزاری این همایشها و کنگره ها قطعی شده است و تا دو ماه دیگر دایر خواهند شد. شعر دوست همچنین به برنامه های بزرگداشت شمس تبریزی اشاره کرد و افزود: امید می‌رود با برگزاری این جشنواره، بارگاه شمس در شهر خوی بازسازی شود و در اختیار علاقه‌مندان قرار گیرد.

در خوی

برنامه های کنگره هشتصدمین سالروز تولد مولانا در شهرستان خوی با استقبال غافلگیر کننده مردم همراه بود. این مراسم در خوی بخشهای متنوعی داشت. محمدلو، فرماندار این شهرستان در مراسم افتتاحیه گفت: شمس در این شهرستان طلوع کرد و به همراه خود برکت و بزرگی آورد. شهرستان خوی با دیرینه پر درخشش خود هنوز در آسمان علم و هنر می‌درخشد.

مراسم شهرستان خوی مخصوصا مراسم اختتامیه با شکوه ویژه ای همراه بود. در این مراسم که با حضور هنرمندان، بازیگران سینمایی و مسئولان همراه شد، شهرام ناظری، خواننده مشهور کشورمان به خواندن غزلیاتی از مولانا پرداخت. در این مراسم نشان جشنواره بزرگداشت شمس تبریزی و کلید طلایی شهر خوی نیز به ناظری اعطا شد. جشنواره شمس تبریزی با کنسرت شهرام ناظری با اشعار و مولانا پایان یافت.

ناظری که می‌گفت به خاطر اجرا بر مزار شمس، خودش را از خارج از کشور به ایران رسانده است، افزود: به قول یکی از بزرگان صاحب نظر، اینجا «قونیه دوم» می‌شود که بدون شک همین طور هم خواهد شد. بی شک این اقدام بزرگ فرهنگی تأثیر مثبتی برای فرهنگ ایران خواهد داشت و مسلما نقطه عطفی در تاریخ است.

منبع: خبرگزاریهای ایستا و فارس

چهار رویکرد دیگر را می‌توان پیدا کرد. مدعای چهارم اینکه این رویکردها با هم سازگاری ندارند و اگر به یکی از اینها قائل باشیم، امکان قائل بودن به رویکردهای دیگر نیست و در صورتی که به رویکردهای متعدد قائل باشیم، امری متناقض‌آمیز است. با توجه به مدعای قبل، دیدگاه مولانا دیدگاهی پارادوکسیکال است؛ بنابراین، مولانا هم که به این چهار رویکرد قائل است، به نوعی متناقض سخن می‌گوید؛ اما پاسخ من این است که دلیل این سازگاری و تناقض را در این می‌توان جست که مولانا به این جهت بر چهار رویکرد دیگر تأکید می‌کند، که رویکرد اول را نفی کند. مصطفی ملکیان در ادامه رویکردها را اینگونه برشمرد و اظهار کرد: رویکرد اول، رویکرد انحصارگرایی است. در این رویکرد، فرد مدعی، معتقد است که فقط دین من بر حق است و دین دیگری حقانیت ندارد و مولانا این دیدگاه را نفی می‌کند. دیدگاه دوم شمول‌گرایی است؛ شمول‌گرایی می‌گوید دین من بر حق است؛ اما در ادیان دیگر هم حقایق وجود دارد؛ بنابراین، دین من یک هویت فراگیر دارد و حقایق اختصاصی خود را دارد و حقایق گه‌گاه یافتنی در حقایق دیگر را نیز دارد. همچنین مولانا نیز از این دیدگاه حمایت می‌کند. ملکیان در ادامه درباره دیدگاه سوم گفت: دیدگاه سوم دیدگاه شبیه‌انگارانه است. در این دیدگاه، همه دینها راه‌های مختلفی به یک مقصد واحدند؛ بنابراین وضع دین من با ادیان دیگر فرق ندارد؛ البته این را که همه راه‌ها یک مقصد واحد دارند، کسانی درمی‌یابند که به دین و مذهب خودشان التزام کامل عملی داشته باشند. در دیدگاه چهارم که به‌عنوان دیدگاه تکمیل‌گرایی از آن یاد می‌شود، گفته می‌شود هیچ دین و مذهبی کامل نیست و هر کسی پیرو هر دین و مذهبی که باشد، برای رفع نیازهایش می‌تواند از ادیان و مذاهب دیگر استمداد بطلبد. ملکیان در پایان سخن یادآور شد: دیدگاه پنجم ماندن در دین و مذهب خود